

آسیب‌شناسی موانع تحقق و اثربخشی جایگاه موقوفات در رفاه اجتماعی

محمدعلی ایرانمنش^۱، جعفر هزارجریبی^۲، وجه الله قربانی زاده^۳، محمدتقی کرمی قهپی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۸

چکیده

موقوفات به‌مثابه یکی از سازوکارهای فرهنگی و دینی با تعدیل ثروت، کاهش نابرابری و خدمات عام‌المنفعه نقش مهمی در افزایش رفاه اجتماعی شهروندان داشته‌اند. از این رو، این مطالعه با هدف آسیب‌شناسی موانع تحقق (اثربخشی) جایگاه موقوفات در رفاه اجتماعی در موقوفات گنج‌علی‌خان کرمان انجام گرفته است. در چارچوب مفهومی از رویکرد وبر، وارنر و ایزنشتاد استفاده شد. تحقیق حاضر به‌صورت کیفی و با استراتژی تحقیق داده بنیاد انجام گرفته است. جمعیت مورد مطالعه کلیه صاحب‌نظران و کارشناسان حوزه اوقاف بود. روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند و نظری و ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه عمیق فردی بوده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس رویکرد سیستماتیک اشتروس/کوربین انجام گرفته است. بدین ترتیب، با تجزیه و تحلیل داده‌ها، ۵۲۳ مفهوم اولیه استخراج شد و در ادامه «انطباق‌ناپذیری نهادی» به‌عنوان پدیده محوری نام‌گذاری گردید. شرایط علی مؤثر بر این پدیده محوری، «غلبه رویکرد تک‌بعدی دینی»، «مدیریت سازمان نیافته و ناقص»، «ضعف دانش و تجربه تخصصی» و «بازدهی محدود» هستند. بسترهای شکل‌گیری آن «موانع قانونی و فرادستی»، «ناهمگرایی سازمانی»، «فهم واپس‌گرا از وقف» و «بازنمایی ضعیف کارکردهای رفاهی وقف» می‌باشند. شرایط مداخله‌گر «گسست زمانی با نیازها»، «رکود نوآوری» و «ارزشیابی معیوب» و «خلأ سیاست‌گذارانه» هستند. راهبردهای اتخاذشده بر پدیده محوری «انسجام‌بخشی به ابعاد وقف»، «ارزیابی عملکرد دائمی نیازها و دستاوردها» و «معنا بخشی و نگاهداشت فرایند کار» می‌باشند که منجر به پیامدهایی همچون «هم‌افزایی استراتژیک»، «انطباق‌پذیری مداوم»، «توانمندسازی اجتماعی»، «نوین‌سازی و تقویت نهادی-سازمانی» و «افزایش رفاه اجتماعی» می‌شوند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد مهم‌ترین عوامل در عدم تحقق رفاه اجتماعی برآمده از موقوفات گنج‌علی‌خان به رویکرد سنتی و عدم انطباق‌پذیری این نهاد دینی با شرایط متحول برمی‌گردد. این امر به بازنمایی نامناسب کارکردهای رفاهی آن منجر شده و در نتیجه باعث شده همچون گذشته نتواند با تعدیل ثروت در کاهش نابرابری‌ها مؤثر باشد.

واژگان کلیدی: رفاه اجتماعی، موقوفات گنج‌علی‌خان، انطباق‌پذیری نهادی، توانمندسازی اجتماعی، تقویت نهادی

۱. دانشجوی دکتری رفاه اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، (نویسنده مسئول)؛ iraniali15@yahoo.com
۲. استاد گروه تعاون و رفاه اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران؛ jafar_hezar@yahoo.com
۳. دانشیار گروه مدیریت دولتی دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران؛ vghorbanizadeh@gmail.com
۴. دانشیار گروه مطالعات زنان دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران؛ mt.karami@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

ناکامی دولت‌ها در تحقق اهداف محرومیت‌زدایی به خاطر محدودیت‌های بودجه‌ای و عدم تمایل بخش خصوصی در تعقیب مسائل اجتماعی به دلایل ماهیت انتفاعی و انگیزه سودگرایانه حاکم بر فضای بازار، ضرورت استفاده از ظرفیت مشارکت‌های مدنی و موضوع وقف را برای جبران ناکامی دولت و ناکارایی بخش خصوصی در پیگیری اهداف توسعه‌ای و رفاه اجتماعی آشکار می‌نماید (جبل عاملی، ۱۳۸۹: ۳۵).

وقف نهادی خصوصی و غیردولتی است که در آن تملک از فرد یا افراد خاص خارج شده و به اموال عمومی و عام‌المنفعه تبدیل می‌شود و با ایجاد مراکز مختلف آموزشی، فرهنگی، بهداشتی و ... علاوه بر تأثیر در توسعه اقتصادی، در تحقق عدالت اجتماعی نیز مؤثر می‌باشند. رفاه اجتماعی، به‌منظور خدمت‌رسانی و کمک به افراد به وجود می‌آید تا سلامت، زندگی بهتر و موجبات روابط مناسب‌تری برای پیشرفت استعدادها و توانایی‌های انسان فراهم سازد (یوسف^۱، ۲۰۰۸: ۸، بانت^۲، ۲۰۰۴). فقرزدایی از مهم‌ترین اهداف وقف است. نتیجه طبیعی وقف را می‌توان در سه فرآیند تعدیل ثروت، توازن اجتماعی و همکاری جامعه ذکر نمود که همه این موارد زیربنای عدالت اجتماعی و اقتصادی جامعه هستند. به‌طور کلی وقف دارای دو اثر درونی و بیرونی است. اثر درونی متوجه شخص واقف است که با این عمل به تزکیه نفس خویش پرداخته و روحیه دنیاطلبی و مال‌اندوزی را از خود دور کرده است و اثر بیرونی آن در جامعه نمود پیدا می‌کند که می‌تواند در محور فقر و محرومیت و فاصله شدید طبقاتی تأثیر بسزایی بگذارد. این اثر بیرونی چنان نقش مهمی ایفا می‌کند که حتی در اداره یک جامعه برای فقرزدایی می‌توان از آن کمک گرفت (قنبری نیک، ۱۳۸۸: ۵۶). امروزه، مدیریت منابع وقف با مشکلات و تنگناهایی روبه‌رو است که سبب شده این سرمایه مادی و معنوی، به‌طور کامل و مفید در جهت بهبود و ارتقای سطح رفاه اجتماعی شهروندان مورد بهره‌برداری قرار نگیرد. در واقع، منابع مادی (فیزیکی) و منابع انسانی حاصل از موقوفات همچون گذشته در یک چرخه رشدیابنده و پایدار در خدمت منافع عمومی و رفاه اجتماعی قرار نمی‌گیرد که در طی سال‌ها یکی از علل مستقیم رشد اقتصادی، انباشت مهارت‌های فنی، حرفه‌ای و علمی شهر کرمان بوده است. بحث این است

1. Yusuf
2. Bannet

که این اماکن به دلیل هم‌جواری با بازار علاوه بر ارتقای سطح دانش و معرفت مردم موجب اشتغال و ارتقای سطح منابع انسانی بوده‌اند. موقوفات به‌عنوان یک منبع مستمر، پشتوانه مردمی داشته است و از این طریق توانسته به کاهش فشارهای اقتصادی نیز کمک کند (مرتضوی و یزدی، ۱۳۸۷: ۱۸۰). نمونه دیگری که می‌توان در ارتباط با مدیریت منابع وقف بیان نمود بحث بهره‌وری در موقوفات گنج‌علی‌خان است که با گذشت زمان و فرسودگی بهره‌وری آن به‌طور محسوسی کاهش یافته است.

وقف در سپهر مدیریت مناسب می‌تواند به بهبود رفاه اجتماعی شهروندان کمک کند. در واقع، «نکته مهم ساختار مدیریت منابع موقوفات است که این نوع ساختار در مدیریت منابع مالی یکی از بهترین ساختارهای مالی بوده که یک پروژه منبع تأمین مالی برای خود و سایر منابع می‌گردد تا سایر منابع وارد عرصه گردند (ریاحی^۱، ۱۳۸۷: ۳۷۱)، زیرا ترکیبی از الگوی سنتی، مدرن، خصوصی و عمومی را دربر می‌گیرد و از این حیث منابع مالی به شکل بسیار پیشرفته و قابل‌تأملی برنامه‌ریزی و اجرا شده است (امام جمعه‌زاده^۲، ۱۳۸۰: ۷۲)؛ اما این مدیریت امروزه با چالش‌هایی روبرو شده است. فقدان سازمان‌دهی صحیح برای اوقاف به‌منظور ارتقای این منابع و تقویت رفاه شهروندان کرمانی، از عوامل مهم و تأثیرگذار در عدم توسعه مقوله وقف در موقوفات گنج‌علی‌خان است. «یکی از دلایل اصلی این‌کندی و رکود را می‌توان در نبود سازمان‌دهی صحیح برای موقوفات خلاصه کرد؛ به‌عبارت‌دیگر، نبود سازمان‌دهی کارا و نظام هدایت وقف برای مدیریت و بهره‌گیری صحیح از اموال موقوفه و یا ایجاد دارایی‌های موردنیاز هر منطقه و مردم آن است؛ به‌عنوان‌مثال، در مناطقی واقفان و نیکوکاران ساختمان‌های متعددی برای مدارس و دانشگاه‌ها در کنار هم ایجاد کرده و همه یا بیشتر آنها خالی و بدون استفاده مانده‌اند، اما در مناطق دیگر، محرومیت و نیاز به همین موارد غوغا می‌کند» (سید حسینی و همکاران^۳، ۱۳۹۲: ۱۱۷). عامل دیگر، به ساختار چندپاره آن برمی‌گردد که آمیزه‌ای از مدیریت سنتی و مدرن است که نمی‌تواند نیازمندی‌های رفاهی در حال رشد را پوشش دهد. افزون بر این، موازی‌کاری در ارائه خدمات نیز به چشم می‌خورد. افزون بر این، موازی‌کاری در ارائه

1. Riyahi (2008)

2. Emam Jom'ezadeh (2001)

3. Seyyed Hosseini, Salari, and Khorasani (2013)

خدمات نیز به چشم می‌خورد. به این صورت که در مواردی برخی امور توسط موقوفات به‌خوبی موردتوجه قرار می‌گیرد یا هم‌زمان در موقوفات توسط چند بخش به آن پرداخته می‌شود. با توجه به آنچه گفته شد، هدف اصلی این مطالعه، آسیب‌شناسی عدم تحقق رفاه اجتماعی شهروندان کرمانی با استفاده از منابع وقفی (مطالعه موردی موقوفات گنج‌علی‌خان کرمان) است و درصدد هستیم شرایط علی، بسترها، شرایط مداخله‌گر، استراتژی‌ها و درنهایت، پیامدهای موردنظر را در عدم تحقق و اثربخشی موقوفات در ارتقای رفاه اجتماعی شهروندان کرمانی مورد بررسی قرار دهیم.

پیشینه تجربی و مفهومی تحقیق

در بین محققان داخلی و خارجی در خصوص وقف و اثرات اقتصادی-اجتماعی و نیز افزایش رفاه و توسعه اجتماعی مطالعاتی انجام‌گرفته است. افزون بر این، مطالعاتی نیز در مورد مدیریت اوقاف انجام‌گرفته است. از تحقیقات داخلی می‌توان به وقف بدیل سیاست اجتماعی پست‌مدرن (عمو‌عبداللهی و حاجی ابراهیم، ۱۳۹۴)؛ نگاهی به وقف و آثار اقتصادی و اجتماعی آن (سلیمی‌فر، ۱۳۷۰)؛ نقش وقف در توسعه و عدالت اجتماعی (صحرانورد و اسدی، ۱۳۹۱)؛ مشارکت در امور خیریه و وقف، پیش درآمدی بر توسعه پایدار (گنجی و همکاران، ۱۳۹۴) و غیره اشاره کرد.

مدیریت دارایی‌های وقفی (سلیم^۱، ۲۰۱۰)؛ مدیریت وقف در مالزی (ایزا و همکاران^۲، ۲۰۱۱)؛ روش‌های توسعه تجاری زمین‌های وقفی در مالزی (هاشم و همکاران^۳، ۲۰۱۳)؛ کاربرد وقف در تأمین مالی پروژه‌های اجتماعی (شیخ و همکاران^۴، ۲۰۱۷)؛ وقف و پایداری (احمد، ۲۰۰۸)؛ منابع وقف نقدی و تأمین مالی شرکت‌های کوچک در مالزی (محدثاس تاگر و همکاران^۵، ۲۰۱۶)؛ وقف، رفاه اجتماعی و توسعه اقتصادی (کافس^۶، ۲۰۰۵)؛ تأثیر کارکردهای مدیریت منابع بر عملکرد سازمانی اوقاف (الباحسین و القراحی^۷، ۲۰۱۳)؛ بررسی رابطه میان

1 Saleem (2010)

2 Isa, Ali, and Harun (2011)

3 Hashim., Mazlan, & Abu Bakar,

4 Shaikh, Ismail & Mohd Shafiai

5 Mohd Thas Thaker., Mohammed, Duasa, Abdullah

6 Krafess (2005)

7 Al-Bahussin and El-Garaihy (2013)

مدیریت منابع مالی و [رفاه] مطلوبیت سازمانی (بوسینی و کازلاسکایت^۱، ۲۰۱۲) از جمله مطالعاتی هستند به بررسی اثرات وقف بر رفاه اجتماعی و اقتصادی مردم پرداخته‌اند. در همین راستا، سید حسینی و همکاران (۱۳۹۲) به بررسی «بهبود روش‌های مدیریت در سازمان اوقاف و اثر آن در افزایش بهره‌وری در حوزه وقف» پرداختند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که بهبود روش‌های مدیریتی فعلی حاکم بر اموال موقوفه در سازمان اوقاف بر میزان بهره‌وری در حوزه وقف اثرگذار است و تأثیر مثبتی دارد.

اندیشمندان مختلفی درباره ارزش‌ها و سنن دینی در تأمین اجتماعی و ارتقای رفاه شهروندان به مطالعه و تئوری‌پردازی پرداخته‌اند. «اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری» (وبر^۲، ۱۳۷۷)؛ «نقش مسیحیت در شکل‌گیری دولت‌های رفاه»؛ «تأثیر ارزش‌های دینی کاتولیک در تأمین اجتماعی آلمان»؛ «مطالعه لین^۳ و مانو^۴ در خصوص ریشه‌های پروتستانی سیاست‌های تأمین اجتماعی سوئیس و کشورهای اروپای شمالی»؛ مطالعه کرسبرگن^۵ در مورد نقش مسیحیت در رفاه اجتماعی اروپا؛ توجه به نقش ارزش‌های دینی و اجتماعی در رفاه اجتماعی آمریکا؛ بنیان‌های مسیحی دولت رفاه (اورشات و همکاران^۶، ۱۳۹۶) از جمله صاحب‌نظرانی محسوب می‌شوند که به بررسی ارزش‌های دینی در ارتقای رفاه اجتماعی پرداخته‌اند. مطالعات نشان می‌دهد که ارتباط بین مذهب و رفاه اجتماعی پیچیده و چندبعدی است (بک‌ستروم و همکاران^۷، ۲۰۱۰؛ بانه و همکاران^۸، ۲۰۰۰؛ ادگارد و بک‌من^۹، ۲۰۰۴؛ مورگان^{۱۰}، ۲۰۰۶). ارزش‌های رفاهی که به سیاست‌های رفاه اجتماعی شکل می‌دهند با تاریخ و فعالیت‌های مذهبی ارتباط وثیقی دارند (کافین^{۱۱}، ۲۰۰۰؛ لیپست^{۱۲}، ۱۹۹۶) و همچنین، نهادهای مذهبی نقش مهمی در تکوین دولت‌ها و سیاست‌های رفاهی آنها داشته‌اند (آکتمن^{۱۳}، ۲۰۰۴: ۱۱).

-
1. Boosini and Kaslaskyte
 2. Weber (2013)
 3. Lin
 4. Manow
 5. Kersbergen
 6. van Oorschot, Opeilka, and Brigit (2016)
 7. Bäckström, Davie, Edgardh, and Pettersson (2010)
 8. Bane, Coffin, & Thiemann
 9. Edgardh (2004)
 10. Morgan
 11. Coffin (2000)
 12. Lipset (1996)
 13. Axtmann (2004)

تئوری وبر^۱ موضع کلاسیک‌ها در مورد هر پرسشی درباره رابطه میان مذهب از یک‌سو و توسعه اقتصادی از سوی دیگر است. وبر در تحلیل خاص خود از رابطه میان مذهب و توسعه اقتصادی، بیشتر تمرکز خود را به‌جای احکام شرعی خاص هر مذهب در ارتباط با انواع رفتار اقتصادی، بر آداب و سلوک ذاتی موجود در هر مذهب که انگیزه‌ها و فعالیت‌های اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، گذارده است (ایزنشتاد^۲، ۱۹۶۸). از نظر وبر، سرمایه‌داری نوین غربی یک الگوی رفتاری است که علاقه همیشه صاحبان کسب‌وکار را در جستجوی حداکثر سود از طریق قانونی، شرافتمندانه و غیر ظالمانه در برمی‌گیرد. وبر روح سرمایه‌داری را به گسترش اخلاق پروتستانی نسبت می‌دهد. او اخلاق پروتستان را به‌عنوان یک اخلاق دنیوی می‌داند که از اصول مذهبی بنیادین نشأت گرفته است. به معنای دقیق کلمه، اخلاق پروتستانی یک اخلاق اقتصادی را نتیجه می‌دهد (لسناف^۳، ۱۹۹۴). وارنر^۴ (۲۰۰۵؛ ۱۹۹۳) بر نقش مدنی دین شامل یک سازمان داوطلبانه است که در آن مردم می‌توانند تفاوت‌های فرهنگی مشروع خود را بیان کنند: دین فضایی برای پلورالیسم فرهنگی است. مذهب برای یک عضو گروه از نظر اجتماعی هویت مشروع و ارزش‌های مشترک فراهم می‌سازد که از طریق آن دسترسی به حوزه عمومی را میسر می‌سازد: دین به‌عنوان یک رده بنیادی از هویت و ارتباط شناخته‌شده است و در نتیجه برای افراد همبستگی و هویت ایجاد می‌کند (وارنر، ۱۹۹۳: ۱۰۵۹). به‌زعم وارنر، دین و مذهب از طریق ایجاد مشاغل مذهبی دسترسی به حوزه عمومی را برای افراد فراهم می‌کند و افراد نیز از این طریق خود را به حوزه عمومی متصل می‌سازند. برآیند این وضعیت ایجاد همبستگی با جامعه و دسترسی به منابع اجتماعی بیشتر است. وارنر از نقش مهم دین در رفاه اجتماعی با عنوان «انسجام نهادی»^۵ یاد می‌کند. وی اذعان می‌دارد: «تا آنجا که یک گروه برای دسترسی به منابع مالی و اجتماعی خود وابسته به کلیسا است، کلیسا در ایالات‌متحده یک ابزار سازمانی مناسب و قانونی است» (همان). ایزنشتاد نیز بر مذهب و رفاه تأکید دارد. «بر طبق رهیافت ایزنشتاد مهم‌ترین عنصر این رابطه، عنصر تعالی‌گرایی و گرایش مثبت و عقلانی به فعالیت‌های دنیوی

1. Weber
 2. Eisenstadt
 3. Lessnoff
 4. Warner
 5. institutional vitality

است. چنین آمیزه‌ای بر فعالیت‌های دنیوی بدون تزکیه و تنزیه آنها از لحاظ عبادی و به‌عنوان دلایل نهایی کمال یا شایستگی مذهبی تأکید زیادی دارد. جنبه مهم دیگری از مذهب که تحول‌گرا است، تأکید زیاد بر سخت‌کوشی و مسئولیت‌پذیری، به‌علاوه رابطه مستقیم فرد با سنت مذهبی است (ایزنشتاد، ۱۹۶۸). از این‌رو، مذهب با ویژگی فرارونده خود و نیز تأکید بر سخت‌کوشی فرد را از ابعاد فردی خویش می‌رهاند و او را در مداری قرار می‌دهد که راه رستگاری را در روح جمعی می‌بیند. تأکید بر روح جمعی با تقویت مؤلفه‌هایی همچون سرمایه اجتماعی و وقف، روحیه نوع‌دوستی را افزایش می‌دهد و روابط نوع‌دوستانه مبنای محکمی برای ایجاد رفاه و توسعه اقتصادی-اجتماعی بر مبنای مذهب می‌شود.

روش تحقیق

تحقیق حاضر به‌صورت کیفی انجام‌گرفته است و استراتژی تحقیق به‌صورت داده بنیاد است. پژوهشگر روش کیفی به دنبال تصور کاوی و دلیل‌گرایی است. وظیفه پژوهشگر همانا درک، فهم، هم‌فهمی، استنباط، تفسیر و درک معنی فهمی است که انسان‌ها از پدیده موردپژوهش دارند و پدیده موردبررسی نیز موضوعی در ذهن است. پژوهشگر در متن اجتماعی پدیده مورد شناخت غوطه‌ور می‌شود و در طی فرایند تحقیق، هرچه از غوطه‌ور شدن فهم شود، به‌منزله شناخت از پژوهشگر تراوش می‌کند. معمولاً در مطالعات کیفی برای جامعه هدف از «جمعیت مورد مطالعه» استفاده می‌کنند، اما در مطالعات کمی از جامعه آماری. انتخاب واژگان به دلیل مقتضیات خاصی است که بر فرایند انجام تحقیق در این دو روش حاکم است. جمعیت مورد مطالعه کلیه صاحب‌نظرانی هستند که در این حوزه دارای سوابق و دانش لازم هستند؛ در واقع، خبرگان و کارشناسان حوزه وقف و مدیریت اوقاف و کارشناسان فعال در این حوزه هستند. بنابراین، جمعیت موردنظر را خبرگان آشنا به موضوع پژوهش (اساتید دانشگاه در حوزه وقف و رفاه اجتماعی، کارشناسان اوقاف و متخصصان نام‌آشنای بومی) تشکیل می‌دهند. انتخاب خبرگان و افراد کلیدی، به‌صورت هدفمند خواهد بود. نمونه‌گیری هدفمند به معنی انتخاب نمونه‌ها بر اساس ملاک‌های از پیش تعیین‌شده اولیه است. نمونه‌گیری تحقیق داده بنیاد نیز به‌صورت

«هدفمند»^۱ و «نظری»^۲ است. در نمونه‌گیری هدفمند واحدها بر اساس اهداف تحقیق و به صورت عامدانه انتخاب بر اساس ویژگی‌هایی که دارند انتخاب می‌شوند. نمونه‌گیری نظری نیز متعاقب نمونه‌گیری هدفمند انجام می‌شود و بر اساس آن نمونه‌ها بر اساس ویژگی‌های نظری به ظهور نظریه از دل پدیده کمک می‌کنند. در اینجا بین نمونه‌ها و فرایند تحلیل داده‌ها دائماً رفت و برگشت صورت می‌گیرد تا فرایند تعدیل و بازسازی مقولات دقیق گردد.

به این اعتبار، با ۱۸ نفر از صاحب‌نظران و کارشناسان این حوزه مصاحبه به عمل آمد. ابزار گردآوری داده‌ها «مصاحبه عمیق فردی» بود. فرم مصاحبه شامل دو دسته از سؤالات است: سؤالات اصلی یا اساسی و سؤالات پیگیری. سؤالات اساسی دایره وسیع مطالعه و کاوش و سؤالات پیگیری دایره محدود و خاص را در برمی‌گیرند. سؤال اساسی و اصلی شامل فهم متخصصان از الگوی مطلوب مدیریت موقوفات است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های برگرفته از مصاحبه‌ها، سه مرحله کدگذاری انجام شده است: «کدگذاری باز»، «کدگذاری محوری» و «کدگذاری گزینشی». تحلیل داده‌ها در بخش مصاحبه از طریق کدگذاری، مقوله‌بندی و تفسیر الگوها و روابط انجام می‌گیرد. به این ترتیب که کدگذاری‌های اولیه بر روی مصاحبه‌ها تبدیل به خرده مقوله‌ها و سپس مقوله‌ها شده و در نهایت کدهای مفهومی و ثانویه استخراج و پس از تحلیل و جمع‌بندی، نتایج ارائه می‌شود.

یافته‌های پژوهش

از بین ۱۸ مصاحبه انجام گرفته با کلیه متخصصان این حوزه (اعم از سازمانی و دانشگاهی که در این حوزه فعالیت داشته و دارند)، در مجموع ۵۲۳ مفهوم اولیه و خام استخراج شد. این مفاهیم حاصل تجزیه متن مصاحبه‌ها به خردترین اجزاء است که امکان مقایسه کردن، مفهوم‌پردازی و مقوله‌بندی داده‌ها را برای ما فراهم می‌سازد. این خرد کردن و مقایسه اولیه داده‌ها برای به دست آوردن شباهت‌ها و تفاوت‌ها، استخراج مفاهیم پایه و نیز ایجاد بسترهای لازم به منظور استخراج پدیده محوری انجام گرفت؛ بنابراین، تحدید دقیق و استخراج منظم مفاهیم این امکان را برای ما فراهم می‌سازد که مقوله محوری را به سهولت دریافت کنیم.

در بررسی شرایط علی، بیست مفهوم استخراج شد که با طبقه‌بندی آنها، در نهایت در چهار مقوله انسجام بخش «غلبه رویکرد تک‌بعدی دینی»، «مدیریت سازمان نیافته و ناقص»، «ضعف دانش و تجربه تخصصی» و «بازدهی محدود» تنظیم شدند.

نیازمند به تفسیری موسع از وقف در پرتو سنت و مبانی دینی هستیم که به عنوان یک نهاد اثربخش بتواند در افزایش رفاه و توسعه اجتماعی شهروندان اثرات همه‌جانبه خود را نشان دهد. به این اعتبار، ایجاد بسترهایی که از طرق آن وقف بتواند باریشه‌های دینی در خدمت سایر ابعاد قرار بگیرد امری ضروری است. اوقاف گنج‌علی‌خان نیز به‌عنوان یک سازمان فرهنگی دینی که دارای کارکردهای متعدد اقتصادی و غیراقتصادی است، برای بالابردن بهره‌وری سازمانی و دریافت بهترین خروجی‌ها از عملکرد نیروی انسانی و غیرانسانی خود باید بتواند قابلیت‌های سازمانی را تعریف کند. این امر در پرتو سه عامل مهم دانش، شایستگی و مهارت در برخورد با منابع وقفی مسیر است؛ اما موقوفات گنج‌علی‌خان از نظر منابع انسانی که بتوانند قابلیت‌های نهادی اوقاف را بالا ببرند وضعیت مطلوبی ندارد. فقدان نگاهداشت و استراتژی‌های راهگشا و مطلوب و نیز نداشتن ارتباط با تجربیات کشورهای اسلامی از ضعف نیروی انسانی و متخصص حکایت دارد. این وضعیت در کنار اتکا به منابع درونی به‌خصوص از نظر مالی، بازتولید اهداف، انطباق‌پذیری سریع مبتنی بر مسائل پیش رو، ایجاد بسترهای مناسب برای نیل به منابع جدید و نیز بالابردن بهره‌وری از منابع موجود را کند ساخته و به‌عنوان شرایط علی مدیریت ضعیف این موقوفات عمل کرده است. مصادیق مصاحبه‌ها در ادامه بیان می‌گردد.

«نهاد وقف در کل در کشور حالتی راكد داره. این راكد بودن بخاطر اینه که دانش و مهارت های روز کمه. مثلاً یه کارمند یا مدیر مثل من می‌گه خب من چی یاد بگیرم؟ یه سری کارها وجود دارد که باید هر روز انجام بدم و تموم. مشکل اینجاست که ظرفیت این نهاد خاموش شده و کسی هم نیست که واقعا راهبرد و برنامه بده که تحول سازمانی خوبی ایجاد بشه»
(معاون مدیریت و پشتیبانی، مرد، ۴۷ ساله).

«ما وابستگی به دیگران داریم و این خیلی بده. عواید موقوفات هم هست، اما در مقابل خروجی‌ها و خدمات چیزی نیست. باید منابع مالی رو توسعه داد وگرنه باید از سازمان‌های مرتبط پول و اعتبار بگیریم که اینم با وقف سازگاری زیادی نداره» (کارشناس برنامه و بودجه، مرد، ۴۵ ساله).

جدول ۱. شرایط علی پدیدآورنده محوری

شرایط علی	مقولات سازمان‌دهنده	مفاهیم
	شرایط علی	استمرار رویکرد تک‌بعدی دینی
تأکید بر ابعاد مذهبی وقف		
توجه ناکافی بر ابعاد انسانی وقف		
غلبه نگاه اخروی به وقف		
وقف به‌مثابه امری خیرخواهانه		
ضعف قابلیت مدیریتی		ابهام در جایگاه‌های کارشناسانه
		مدیریت غیر سیستمی مدیران
		چندبعدی بودن مدیریت اوقاف
		عدم تمایز در مدیریت ابعاد انسانی فیزیکی وقف
		سلسله مراتب‌های همپوشان
ضعف دانش و تجربه تخصصی		مدیریت فرسوده و کهنه
		توجه ناکافی به دستاوردهای جهانی
		کمبود افراد خبره و متخصص
		توجه بیشتر بر تعهد به‌جای تخصص
		فقر نگرش بین رشته‌ای
منابع محوری بیرونی (اتکا به منابع بیرونی)	غلبه آموزش سنتی بر اوقاف	
	تأخیر در جایگزینی منابع	
	درآمدهای نسبتاً کم	
	ناپایداری منابع	
	ناامنی اعتباراتی	
ضعف در منابع‌یابی		

پدیده محوری

این پدیده مختصاتی دارد که مهم‌ترین آن سطح انتزاع بالا است که سایر مقولات و مفاهیم را دور خود جمع می‌کند. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، هفت مفهوم پایه شناسایی شد. این مفاهیم به‌نوعی در سراسر مفاهیم دیگر جاری هستند. این مفاهیم درنهایت با توجه به تحلیل‌های انجام‌گرفته تحت عنوان پدیده محوری «انطباق ناپذیری نهادی» نام‌گذاری شد.

زمانی که انطباق‌پذیری کم و محدود باشد، یک سازمان و نهاد با وقفه، فقر دانشی، فقر تخصص و نیز فهم واپس‌گرایانه از شرایط در حال تغییر روبرو می‌شود. در موقوفات گنج‌علی‌خان به دلیل ساختار سنتی و نیز مختصات فرهنگی حاکم بر آن، کمتر انطباق نهادی با تحولات بیرونی ایجاد شده است. سرمایه و منابع موجود در اثر اتکا به خیرات بیرونی، محدود و موقتی تلقی شده و از این رو، این نهاد به‌مثابه نهادی چندمنظوره با ویژگی‌های فرهنگی - رفاهی - اجتماعی خود ضعیف گردیده است.

«یه نهاد با این ظرفیت و قوت باید بتونه خودش رو همگام با موقعیت‌ها و وضعیت‌های اجتماعی و اقتصادی و حتی سیاسی کنه، وگرنه جز اسمی چیزی از اون باقی نمی‌مونه. این سازگاری و همراه شدن با زمانه برای موقوفات گنج‌علی‌خان مهم و ضروریه. اینکه کسی یه سری اموال وقف کنه و ما حفظش کنیم هنر نیست، هنر اینه بتونی از اونا منابع و اعتبار بیشتری بدست بیاری و صرف عمران و آبادانی بیشتر مردم بکنی» (کارشناس توسعه و عمران، زن، ۵۰ ساله).

جدول ۲. پدیده محوری

	مقوله انتزاعی محوری	مفاهیم پایه
پدیده محوری	انطباق‌ناپذیری (و انعطاف‌ناپذیری) نهادی	گسست زمانی
		فهم واپس‌گرا از وقف
		غلبه نگاه تک‌بعدی دینی
		فقر فرهنگی در خصوص وقف
		فقر دانش تخصصی
		خلأهای سیاست‌گذارانه
		مدیریت ناموزون

بسترها یا زمینه

زمینه‌ها در شانزده مفهوم و چهار مقوله انسجام بخش دسته‌بندی شدند. «موانع قانونی و فرادستی»، «ناهمگرایی سازمانی»، «فهم واپس‌گرا از وقف» و «بازنمایی ضعیف کارکردهای رفاهی وقف» از مقولات انسجام‌بخشی هستند که تحت عنوان زمینه‌ها طبقه‌بندی شده‌اند. زمانی که خلأی در بسترهای قانونی وجود داشته باشد، با تشویش و سردرگمی و موازی‌کاری نهادها

روبرو می‌شویم. این قواعد و سیاست‌ها که در قالب برنامه‌های توسعه خود را نشان می‌دهند اطلاعاتی درباره نحوه کنش انتظاری افراد (واقفین) و سازمان‌ها (سازمان و نهاد اوقاف) در موقعیت‌های خاص در اختیار ما قرار داده و کنش‌ها و اقدامات عملیاتی را امکان‌پذیر می‌کنند. عملیاتی شدن کنش امکان تعاملات فردی و اجتماعی را فراهم می‌آورد. در غیر این صورت واگرایی رخ می‌دهد. در موقوفات گنج‌علی‌خان نوعی واگرایی وجود دارد که با اندکی تسامح می‌توان آن را «موازی‌کاری» نامید. در تعیین اولویت‌ها و ایجاد مشارکت و مشورت در تعیین راهبردها که به خدمات منجر می‌شود دوباره‌کاری وجود دارد. از این‌رو، در مواقعی در تخصیص منابع و اقدامات کارساز شناسایی و تدارک خدمات به‌خوبی صورت نمی‌گیرد.

فهم واپس‌گرا نیز از بسترهای شکل‌گیری پدیده محوری انطباق‌ناپذیری نهادی است. یکی از دلایل این امر به غلبه رویکردهای تک‌بعدی دینی در حوزه وقف برمی‌گردد. دلیل دیگر این است که تصور می‌شود وقف خاص افراد ثروتمند است که عواید آن را صرفاً برای افراد فقیر و نیازمند قرار داده‌اند. دلیل دیگر به فقدان ارتباط سازمان‌یافته سازمانی - مردمی برمی‌گردد که شناخت مطلوب و مناسب را برای افراد و ذینفعان محو می‌سازد. در نتیجه، با درک و فهمی واپس‌گرایانه و پسماندی از وقف روبرو هستیم که امکان شکل‌گیری سرمایه اقتصادی و اجتماعی قدرتمند را دشوار ساخته است. این امر منجر به ضعف به‌کارگیری دانش رسانه‌ای و بازنمایی همه‌جانبه از کارکردهای وقف شده است. وقف نهادی صرفاً دینی نیست، بلکه نهادی چندمنظوره با ابعاد فرهنگی و به‌ویژه اقتصادی و رفاهی است. لزوم نهاد وقف به‌مثابه امری دینی که در شرایط علی به آن اشاره شده در اینجا نمایان است. افراد و حتی متصدیان این حوزه خود در فهمی واپس‌گرایانه تلقی مادی و بازنمایی رفاهی و اقتصادی اوقاف گنج‌علی‌خان را امری ثانویه و دست‌دوم می‌دانند. یکی از کارشناسان در این زمینه می‌گوید:

«من به‌عنوان یه کارشناس و با این چند سالی که در این حوزه فعالم و درگیری زیادی پیدا کردم، به شما میگم که در قوانین اصلی کشور وقف مورد بی توجهی قرار گرفته. خب زمانی که اینطوریه دستت بسته است که بتونی کار مدیریتی و اجرایی خوب انجام بدی. وقف جای حساس و مهمیه که نیازمند اینه که حمایت قانونی بشه که بروکراسی و موانع الکی سر راه اون برداشته بشه، چون سودمندی‌های اون به همه مردم میرسه و مال شخص خاصی نیست»
(کارشناس حقوقی و ثبت، مرد، ۳۱ سال).

یا در جایی دیگر یکی از مطلعین محلی بیان نمود:

«اینکه مثلاً قسمت پشتیبانی بره به کاری انجام بده و بعدها متوجه بشی که قسمت دیگه ای به نحوی اون رو انجام داده، خیلی جالب نیست و منابع رو هدر میده یا اینکه به سری خدمات به به سری تعلق میگیره اما به عده دیگه هیچی گیرشون نمیداد. من خودم در این حوزه فعالم و این چیزها رو میدونم. در مواقعی به سازمان کار سازمان دیگه رو قبول نداره!» (مرد، فعال مشارکت مردمی، ۴۴ ساله).

جدول ۳. بسترها یا زمینه‌ها

	مقولات انسجام بخش	مفاهیم
	بستر و زمینه‌ها	موانع قانونی و فرادستی
فقر منابع و اعتبارات کلان		
جایگاه متزلزل وقف در اسناد فرادستی		
فقدان تفکر سیستمی		
سلطه آموزش سنتی در برنامه‌های فرهنگی وقف		
ناهمگرایی سازمانی		ضعف در همکاری سازمانی
		متولیان چندگانه
		تعریف نامشخص از ابعاد وقف
		ضعف در ارزیابی عملکرد سازمانی
		غلبه نگاه بوروکراتیک بر همگرایی ارگانیک سازمانی
فهم واپس‌گرا از وقف		عدم درک جایگاه فقر در جامعه
		ابهام در کارکردهای وقف در بین مردم
		تلقی صرفاً مذهبی از وقف
		نگرش هزینه-فایده گرا نسبت به وقف
بازنمایی ضعیف کارکردهای رفاهی و اقتصادی وقف		برجستگی ابعاد دینی مذهبی وقف
	ثانویه دیدن بعد رفاهی وقف	
	برجستگی کم پوشش‌های اقتصادی وقف برای نیازمندان	

شرایط مداخله گر

در شرایط مداخله گر هیجده مفهوم شناسایی شد. این مفاهیم تحت چهار مقوله انسجام بخش «گسست زمانی با نیازها»، «رکود نوآوری»، «ارزشیابی معیوب» و «خلأ سیاست‌گذارانه» طبقه‌بندی شدند. تشریح این مقولات بعد از جدول زیر ارائه می‌شود.

موقوفات گنج‌علی‌خان به عنوان بزرگ‌ترین موقوفات کرمان و شرق کشور، نیازهای متفاوتی را برآورده می‌کند و از این رو، سطح پوشش مطلوبی دارد؛ اما این نیازها ایستا مانده و به دلیل ارتباط کم با تجربیات جهانی و نیز اتکا بر سلسله‌مراتب سازمانی، بیشتر نیازهایی دستوری و تخصصی هستند تا نیازهای خودجوش. به این معنا، هر آنچه تعریف شده به صورت قالبی تدوین و مصرف می‌شود و بدون توجه به سن، جنس و سطح نیاز ذینفعان طراحی می‌گردند. گسست با نیازها به رکود نوآوری دامن زده است. اینکه نهاد اوقاف به‌طور کلی و موقوفات گنج‌علی‌خان بتواند نوآوری داشته باشد به فلسفه حاکم بر مدیریت موقوفات، رسوخ فرهنگ نوآوری و نیز انگیزه‌های یادگیری که متأثر از دلایلی چون ضعف دانش تخصصی و خلأ سیاست‌گذارانه است، برمی‌گردد (در ادامه به آنها می‌پردازیم).

در مورد اهمیت نقش تکنولوژی یکی از کارشناسان بیان نمود:

«کمک‌های که موقوفات گنج‌علی به مردم کرمان می‌کنه خیلی زیاده؛ اما نیازها رو بروز نمیکنن؛ مثلاً تکنولوژی مهمه، مثلاً کمک‌ها به چه کسانی تعلق بگیره مهمه و هزار مثال دیگه. مغازه‌هایی که جز موقوفاته همون جووری که از قبل بودن الانم هستن» (کارشناس فناوری و آمار موقوفات، زن، ۳۹ ساله).

نوآوری سازمانی در مدیریت اوقاف وضعیت مطلوبی ندارد. ناهمگرایی سازمانی نیز با طرح‌ها و پروژه‌های موازی در تعمیق این وضعیت مؤثر است.

ارزشیابی معیوب نیز از شرایط مداخله‌گر است. ارزشیابی مستمر و به دور از حاشیه‌های سازمانی نوآوری را هدفمند، شایسته‌سالاری را نهادینه و با جایگزینی تفکر آینده‌نگرانه به جای تفکر واپس‌گرا و پسماندی، تفکر سیستمی را اشاعه و درنهایت همگرایی سازمانی را ایجاد می‌کند. ارزشیابی این امکان را برای موقوفات گنج‌علی‌خان فراهم می‌سازد که آنچه تاکنون از حیث منابع انسانی و منابع فیزیکی داشته، بررسی کرده، ورودی‌ها را سازمان‌دهی کرده فرایندها

را تحلیل نموده و درنهایت، ورودی و فرایند را با خروجی‌ها مقایسه نموده و شرایط را برای نیل به وضعیت مطلوب در یک نگاهداشت الگومند طراحی کنند. شرط مداخله‌گر دیگر خلأ سیاست‌گذاری است. سیاست‌گذاری متناسب با اهداف در لوای ارزیابی درست و داشتن همگرایی با اسناد و سیاست‌های فرداستی میسر است. زمانی که یک‌نهاد نتواند سیاست‌گذاری کند، درواقع با وضعیتی روبرو است که می‌توان آن را «گسست راهبردی» نامید. این گسست حاصل توقف مفهومی در تعریف معیارهای مطلوب و توقف دستاوردها است. لذا، خلأ سیاست‌گذاری در یک سازمان نشان می‌دهد که آن سازمان و نهاد در تعیین اولویت‌ها و نیازها و نیز بازتولید خود با مشکل روبرو است. موقوفات گنج‌علی‌خان نیز از یک‌سو، به دلیل ناهمگرایی سازمانی و از سوی دیگر، به دلیل خلأ مدیریت نوساز و کمبود دانش تخصصی برای سیاست‌گذاری همگام با نیازها، با مشکلاتی روبرو می‌باشد.

جدول ۴. شرایط مداخله‌گر

مقولات انسجام بخش	مفاهیم	
	شرایط مداخله‌گر	گسست زمانی با نیازها
تعارض رویکرد مدرن و کلاسیک		
تأکید افراطی بر نص و تاریخ		
دشواری همگام‌شدن با تکنولوژی		
رکود نوآوری		استفاده و کاربرد ناچیز
		نداشتن چیزی برای ارائه
		ریسک‌ناپذیری
		انتخاب نامناسب اولویت‌ها
ارزش‌یابی معیوب		نظارت‌های سست
		رابطه‌گرا در ارزیابی
		ارزشیابی قدیمی
		انقطاع در ارزیابی شرایط
خلأ سیاست‌گذارانه	رویکردهای مقطعی به‌جای فرایندمحوری	
	چشم‌انداز آتی مبهم	
	اهداف سازمانی یکدست و خشک	
	اتکا به سیاست‌های از بالا به پایین	
	غلبه مدیریت سلیقه‌ای بر راهبردهای استراتژیک سازمانی	
	رویکردهای مقطعی به‌جای فرایندمحوری	

راهبردها

راهبردها مبتنی بر بازخوردهای مقتضی برای کنترل، اداره و برخورد با پدیده محوری هستند. راهبردها مقصود داشته، هدفمند هستند و به دلیل یا دلایلی صورت می‌گیرند. همواره شرایط مداخله‌گری نیز حضور دارند که راهبردها را سهولت می‌بخشند یا آن را محدود می‌سازند. در اینجا، پانزده مفهوم پایه و سه مقوله انسجام بخش در قالب «انسجام‌بخشی به ابعاد وقف»، «ارزیابی عملکرد دائمی نیازها و دستاوردها» و «معنا بخشی و نگاهداشت فرایند کار» استخراج شد.

راهبرد اول، انسجام‌بخشی به ابعاد وقف است. صفات و اصطلاحاتی که برای تعریف وقف و موقوفه به کار گرفته می‌شوند، دقیقاً دارای فضای مفهومی محدودی هستند؛ آنچه از وقف در اذهان وجود دارد وقف مال منقول است. این امر موقوفات را در حصار فیزیکی و مادی قرار داده است. وقف دانش، وقف کتب، وقف زمان و غیره کمتر وجود دارد. لذا، نیازمند تعریفی موسع از وقف هستیم که هم «شرط صراحت و دقت» در تعریف وقف را خدشه‌دار نکند و هم مصادیق آن را بیشتر کند. راهبرد دوم ارزیابی عملکرد دائمی است که می‌تواند مهم‌ترین نقش را در بهبود کیفیت ایفا نماید. ارزیابی عملکرد ذینفعان از یکسو و نیز دستاوردهای سازمانی از سوی دیگر، آسیب‌های احتمالی ناشی از این روند را کاهش خواهد داد و تراکم تجربیات ناشی در حین آموزش و بعد از آن را ممکن خواهد ساخت. ارزیابی عملکرد ساختار اجرایی و محتوای موقوفات، برقراری ارتباط میان سیاست‌های طراحی شده و اهداف مدنظر را معنادار ساخته اجازه می‌دهد که با کسب تجربیات حاصل شده پشتوانه علمی برای ارتقای کیفی این موقوفات حاصل شود. در این میان یکی از اساتید دانشگاه بیان نمود:

«عملکردها و خروجی‌ها باید دائماً بررسی بشه که مشخص کنه کجای کار هستیم. با ارزیابی

میشه بر ضعف و قوت‌ها اشراف داشت. بدون ارزیابی یعنی کار و فعالیت بدون هدف»

(مدرس دانشگاه، زن، ۴۲ ساله).

راهبرد سوم، معنا بخشی و نگاهداشت فرایند کار است. معنا دهی به فرایند کار و یک ایستار (گرایش-وضع) به نام نگاهداشت است که خود را به‌عنوان یک سیستم تعریف کند. این امر ذخایری از دانش ایجاد می‌کند که الزامات سازمانی را مشخص و دائماً برای زیرمجموعه‌ها برساختی از معنا در تمام سطوح فردی، بینا فردی و سازمانی ایجاد می‌کند. تعادل‌بخشی که برای

خود و سازمان ایجاد ارزش می‌کند در لوای نگاهداشت یک الگوی متوازن ظهور می‌کند. پدیداری بهبود و غلبه بر ارزیابی معیوب در این هنگام برای ما مشخص می‌شود. از این رو، با بسترسازی برای یک شبکه‌سازی دانشی و معنا دهی به کار، چارچوب‌ها مشخص و شکاف سیاست‌گذارانه رفع می‌شود.

از مصادیق این موضوع می‌توان به اظهارنظر یکی از مدیران اشاره نمود:

«رهبری موقوفات باید آزادانه باشد. اگر وقف صبغه فرهنگی دارد، باید از زمینه‌های فرهنگی هم ایده گرفت و استفاده کرد. کار ما الان شده چهار تا برنامه بدن و یک سال د و سال دنبال این باشیم این برنامه‌ها رو اجرا کنیم. حالا شما بگو خلاقیت و کارآفرینی یا تنوعی بوجود میاد؟» (معاون مدیریت و پشتیبانی، مرد، ۴۷ ساله).

جدول ۵. راهبردها

	مقولات انسجام بخش	مفاهیم
راهبردها	انسجام‌بخشی به ابعاد وقف	رجحان نگاه خلاقیت محور بر نگاه سازمانی و دولتی
		رفع ابهام در تعریف و مؤلفه‌های وقف
		تفکر سیستمی
		مصادق‌شناسی دقیق
		بسط مفهوم نظری
	ارزیابی عملکرد دائمی نیازها و دستاوردها	تعیین مزایا
		هدف‌گذاری در بازده زمانی خاص
		کاربرد تجربیات موفق اسلامی
		توجه به آسیب‌های آتی
		تعیین سطوح عملکردی سازمانی
	معنا بخشی و نگاهداشت فرایند کار	غلبه بر تفکرات واپس‌گرایانه
		بازتولید معنای سازمانی
		هویت دهی شغلی
		ایجاد بسترهای دانایی محوری
		ارزش‌دهی مداوم به خود تحقیقی

پیامدها

پیامدها در بیست و سه مفهوم پایه و پنج مقوله انسجام بخش دسته‌بندی شده‌اند. این مقولات عبارتند از: «هم‌افزایی استراتژیک»، «انطباق‌پذیری مداوم»، «توانمندسازی اجتماعی»، «نوین‌سازی و تقویت نهادی-سازمانی» و «افزایش رفاه اجتماعی».

موقوفات گنج‌علی‌خان در اثر پیامد اول که هم‌افزایی است به یک «فضای حمایتی درونی» نائل می‌شود که از نظر درونی باعث تقویت زیرساخت‌ها می‌شود. در مقابل، زیرساخت‌ها نیز باید اعضا را حمایت کرده و رفتار آنها را استحکام بخشند تا سطح عالی عملکرد به دست آید. از نظر خارجی نیز باید منابع لازم جهت انجام وظایف را تأمین کنند. در مرحله دوم اهداف روشن می‌شود. افراد دریافت روشنی از اهداف موقوفات خود پیدا می‌کنند و به این باور می‌رسند که هدفشان نتایج مهم و باارزشی برای خود و موقوفات در پی دارد. پیامد دوم انطباق‌پذیری است. موقوفات گنج‌علی‌خان اگر به‌خوبی منطبق شود، می‌تواند سطح عملی یا کارآمدی‌اش را حتی وقتی که توسط تقاضاهای عملیاتی بیشتر محک زده می‌شود، حفظ کرده یا افزایش دهد. زمانی که مدیران موقوفات گنج‌علی‌خان غیرانعطاف‌پذیر یا دارای تمرکز بالایی باشند، توانایی خود را در پاسخ مؤثر به محیط متغیر محدود می‌سازند. دقیقاً با همین اهمیت، آنها انطباق‌پذیری همکاران و زیردستان را نیز محدود و تضعیف می‌سازند. مقاومت در برابر تغییر ممکن است به سیاست‌گذاری‌های مهم آسیب وارد نموده و یا ساختار اجرای آن را مختل نماید.

پیامد سوم، نوین‌سازی سازمانی و نهادی است. این سازوکار معمولاً به فرآیند بهبود خدمات و سیستم منجر می‌شود به طوری که باعث افزایش انگیزش درونی، کاربرد ابزارهای مدرن به همراه پشتیبانی تغییر رفتار با به‌کارگیری عناصر ویژه رفتاری می‌شود. این نوین‌سازی که مستلزم نگاه ارگانیکی و بازسازی و تخریب هم‌زمان است در برون‌رفت از شرط علی‌مدیریت فرسوده نقش بسزایی دارد. افزون بر این، منجر به آموزش خودکار نیز می‌شود که در ایجاد انگیزه نوآوری مؤثر است. پیامد آخر، افزایش رفاه اجتماعی است. از پیامدهای دیگر موقوفات افزایش رفاه اجتماعی است. در واقع، وقف حبس مال به‌منظور استفاده عموم از عواید آن است. این پیامد برونی وقف است. فلسفه وجودی سازمان‌های مردم‌نهاد و مؤسسات خیریه، استفاده از ظرفیت مشارکت‌های مردمی است که با انگیزه‌های نوع‌دوستی و انگیزه‌های اعتقادی و مذهبی است و با

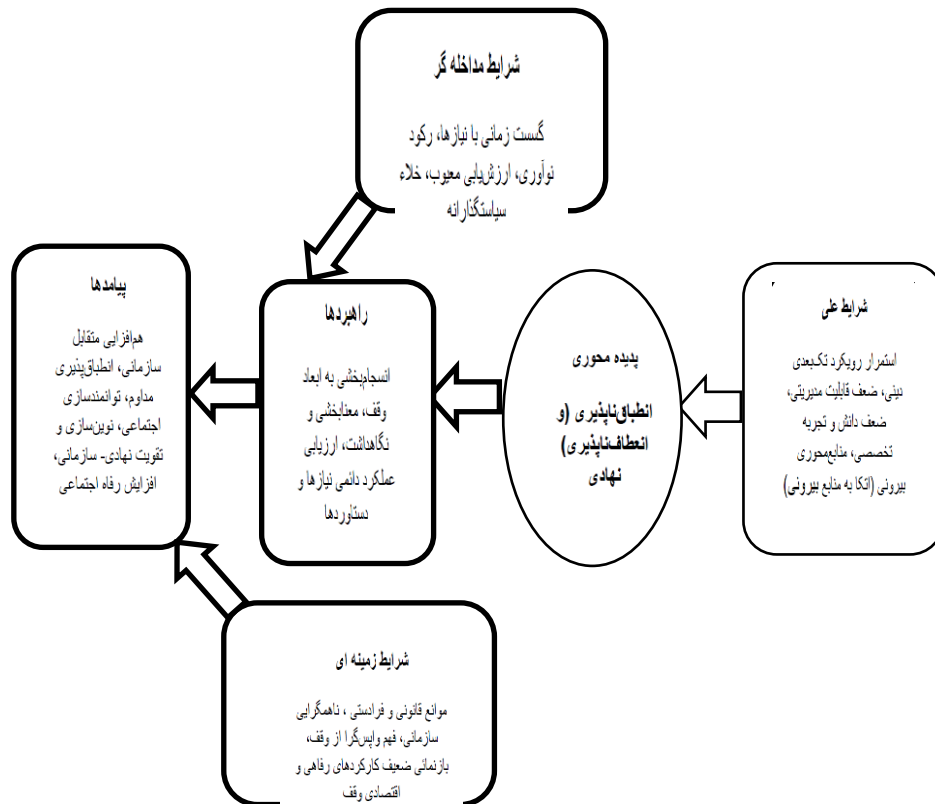
هدف حل مسائل اجتماعی در حوزه‌های مختلف فعالیت می‌کنند. موقوفات گنج‌علی‌خان به‌طور خاص با ایجاد اشتغال در محرومیت‌زدایی و کاهش فقر مردم کرمان نقش ایفا کرده و توانسته در حد وسع خود فاصله طبقاتی را کاهش دهد. در این زمینه یکی از کارشناسان بیان نمود:

«موقوفات باید خودشان به‌صورت خودکار نوین‌کنه تا بتونه مدیریت کنه. اینکه از گذشته درس بگیره و برا آینده برنامه‌ریزی کنه. گذشته رو تخریب کنه و برای تحولات پیش‌رو بکار بگیره» (کارشناس ارزیابی و پیگیری اوقاف، مرد، ۴۷ ساله).

جدول ۶. پیامدها

	مقولات انسجام بخش	مفاهیم
پیامدها	هم‌افزایی متقابل سازمانی	همسویی منابع انسانی و سازمانی
		شناسایی نقاط ضعف و قوت
		شناسایی فرصت‌ها
		خلق افق متناسب با منابع
		غلبه بر مدیریت فرسوده
		تعامل اثربخش سازمانی
	انطباق‌پذیری مداوم	خلق محتوای اثربخش
		سازگاری با نیازهای جدید
		به‌روزرسانی دانش سازمانی
	توانمندسازی اجتماعی	گسترش فرهنگ وقف
		افزایش مشارکت مردمی
		کاهش بی‌تفاوتی
		شکوفاسازی قابلیت‌ها
	نوین‌سازی و تقویت نهادی- سازمانی	ارتقای رویکردها
		به‌روزرسانی اهداف
		به‌کارگیری داده‌ها و منابع متنوع
		گذر از آموزش سنتی
	افزایش رفاه اجتماعی	کاهش فقر
		افزایش کیفیت زندگی مردم
		اشتغال مولد
درآمدزایی		
کاهش شکاف درآمدی		
ایجاد عدالت اجتماعی		

مدل تئوریک پدیده محوری



نمودار ۱. مدل نظری پدیده محوری

با توجه به موضوعات بررسی شده مدل نظری موضوع مطالعه درباره آسیب شناسی عدم تحقق رفاه اجتماعی شهروندان کرمانی با استفاده مدیریت منابع وقفی در بالا آمده است.

خط اصلی روایت

با توجه به کدگذاری باز و نیز در صورت لزوم الهام از مفاهیم کدگذاری باز می توان خط اصلی داستان و یا روایت کدگذاری گزینشی را این گونه بیان کرد که:

در موقوفات گنج علی خان علیرغم ثبات و پایداری فیزیکی، اهمیت منابع انسانی و همگرایی سازمانی و اعتبار یابی به فراموشی سپرده شده است. مهم ترین عنصر در این وضعیت «انطباق

ناپذیری نهادی» است. ضعف دانش تخصصی در کنار ضعف قابلیت مدیریتی است که در کنار فهم واپس‌گرا و غلبه رویکرد دینی بر موقوفات شرایطی ایجاد کرده است که می‌توان از آن به رکود نوآوری و ارزیابی معیوب از جایگاه فعلی یاد کرد. برآیند این وضعیت خود را خلأ سیاست‌گذارانه بروز داده است. از این‌رو، برون‌رفت از این وضعیت مستلزم رفع موانع قانونی و فرادستی، ناهمگرایی سازمانی و بازنمایی به‌موقع و مناسب از کارکردهای رفاهی و اقتصادی موقوفات مذکور است که با عبور از گسست زمانی با نیازها، رکود نوآوری، ارزش‌یابی معیوب، خلأ سیاست‌گذارانه، دستیابی به انسجام‌بخشی به ابعاد وقف، معنابخشی و نگاهداشت، ارزیابی عملکرد دائمی نیازها و دستاوردها را فراهم ساخته و در نتیجه منجر به هم‌افزایی متقابل سازمانی، انطباق‌پذیری مداوم، توانمندسازی اجتماعی، نوین‌سازی و تقویت نهادی سازمانی و افزایش رفاه اجتماعی بشود.

بحث و نتیجه‌گیری

منابع وقفی از مهم‌ترین عواملی است که یک‌نهاد و سازمان را در کمک به رفاه اجتماعی شهروندان یاری می‌رساند. موقوفات گنج‌علی‌خان نیز به‌عنوان یک نهاد از این قضیه مستثنی نیست. مدیریت منابع امروزه به یکی از مهم‌ترین سازوکارهای پویایی و بقا تبدیل شده است. از یک‌سو، با ماندگاری این موقوفات روبرو هستیم که سال‌ها توانسته در خدمت منافع عمومی شهروندان کرمانی قرار بگیرد و از سوی دیگر، با وضعیتی روبرو هستیم که نگاه سنتی حاکم بر آن مانع تعادل‌بخشی بین نیازهای روز و محتوای فرهنگی و دینی موقوفات شده است. به سخن دیگر، رویکرد سنتی و مدیریت تک‌بعدی منجر به افت در یافتن منابع و عدم رونق مدیریت منابع انسانی و فیزیکی شده است. گسست زمانی با نیازها، رکود نوآوری، ارزشیابی معیوب، خلأ سیاست‌گذارانه نتیجه مدیریت تک‌بعدی بر منابع وقفی است. با توجه به غلبه رویکرد دینی از اوقاف و نیز موانع قانونی و فرادستی، ناهمگرایی سازمانی اوقاف تشدید شده است و این خود در فهم واپس‌گرا از وقف نقش بسزایی دارد. در نتیجه، بازنمایی ضعیف از کارکردهای رفاهی و اقتصادی وقف وجود دارد و نیازمند انسجام‌بخشی به ابعاد وقف، معنابخشی و نگاهداشت، ارزیابی دائمی نیازها و دستاوردها هستیم تا در لوای آن هم‌افزایی متقابل سازمانی، انطباق‌پذیری مداوم، توانمندسازی اجتماعی، نوین‌سازی و تقویت نهادی-سازمانی حاصل شود و شاهد

افزایش رفاه اجتماعی شهروندان کرمانی باشیم. بنابراین، با فشارهای ناشی از کاهش بهره‌وری و تخصص، فهم تک‌بعدی و واپس‌گرایانه و نیز ضعف قابلیت‌های مدیریتی، موقوفات نمی‌توانند در حد قابلیت‌ها و انتظارات مسائل مربوط به رفاه اجتماعی را حل کنند. موقوفات گنج‌علی‌خان به‌مثابه یک الگوی موفق تأمین رفاهی در گذشته توانسته بود در ارتقای رفاه اجتماعی از طریق سه مؤلفه «تعديل و توزیع ثروت»، «ایجاد اشتغال و درآمدزایی» و «افزایش سرمایه اجتماعی» به‌عنوان یک دارایی ناملموس، مفید و مؤثر باشد. این موقوفات با ایجاد یک فرهنگ خاص که می‌توان از آن به «فرهنگ رفاه» تعبیر کرد، مجموعه‌ای از کنش‌ها و ارزش‌ها حول محور رفاه ایجاد کرده بود که طی زمان کارکردهای حمایتی خاصی در حوزه آموزش، اشتغال، بهداشت و غیره داشتند. از آنجایی که این موقوفات منابع ملموس و ناملموس را در یک هدف و مسیر معین متحد کرده‌اند، نوعی رفاه ایجاد کرده‌اند که نه تنها دولتی نیست، بلکه خصوصی و بازاری هم نیست. این ویژگی باعث شده است که تکاثر ثروت در موقوفات گنج‌علی‌خان مستمر و درعین‌حال همگانی باشد که می‌توان از آن به خیر همگانی یاد کرد. از گفته‌های فوق می‌توان گفت که موقوفات گنج‌علی‌خان باید دو کارکرد دینی خود را احیاء کند تا همچنان در خدمت رفاه اجتماعی شهروندان باشد: کارکرد تنظیم‌کنندگی و برانگیزانندگی. این دو کارکرد که در دو سطح جمعی و فردی هستند منجر به تنظیم و توازن رفتاری برای خیر همگانی در کرمان می‌شوند. ویژگی تنظیم‌کنندگی و برانگیزانندگی موقوفات از حیث دلالت بر وضعیت کلی جامعه و نیز تنظیم روابط و کنش‌های اجتماعی افراد در سطح کلان، می‌تواند متضمن تحقق وضعیت مطلوب و پیشرفت یک جامعه باشد. این امر افزون بر اینکه مؤلفه‌های رفاه اجتماعی را در اختیار افراد جامعه، به‌خصوص نیازمندان و فقرا قرار می‌دهد، شرایطی ایجاد می‌کند که در بستر آن افراد به کنش متقابل می‌پردازند که در پرتوی آن می‌توان شاهد شکل‌گیری جامعه‌ای منسجم، مشارکت‌جو و با سلامت اجتماعی بالا بود. لذا عمق تنظیم‌کنندگی و برانگیزانندگی موقوفات به کنش‌های افراد در سطح فردی و جمعی به ارتقای کیفی یک گروه و جامعه کمک می‌کند که می‌توان از آن به رفاه و توسعه اجتماعی تعبیر کرد. افزون بر این، در اسلام تأمین اجتماعی بر اساس اصل مسئولیت متقابل (تکافل عام) مورد تأکید فراوان است که خود از پایه‌های اصلی «عدالت اجتماعی» است. بر اساس این اصل، افراد مسئول حمایت از یکدیگرند و تلاش در

جهت رفع «فقر» و تقویت عدالت در جامعه از جمله اهداف اصلی نظام تأمین اجتماعی در اسلام است. اوقاف گنج‌علی‌خان با حبس و توقف اموال ملموس فراوان در یک بستر خاص توانسته و می‌تواند با پوشش به مسئولیت متقابل، فقر را کاهش دهد. این بعد عینی این فرایند است. در خصوص رفاه ذهنی نیز مثمر ثمر است، زیرا تقسیم اموال و یا بخشش آنها به صورت موقوفات میزانی از محبت، همراهی، مراقبت، احترام و توجه فرد از سوی افراد یا گروه‌های دیگر نظیر خانواده، دوستان که وقف کرده‌اند، در دل خود دارد. لذا، موقوفات گنج‌علی‌خان با توجه به اصل کفالت همگانی، یعنی مسئولیت متقابل افراد نسبت به همدیگر و دیگری سهمیم بودن جامعه در درآمدهای حاصل از آن توانسته است نقش مهمی در تأمین رفاه اجتماعی شهروندان کرمانی داشته باشد.

منابع

- امام‌جمعه زاده، سید جواد (۱۳۸۰)، نقش وقف در بهبود اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی. فصلنامه وقف میراث جاویدان. سال ۸، شماره ۳۰، صص ۷۰-۷۷.
- اهلرزی، اکارت (۱۳۷۴)، موقوفات دینی و شهر شریک اسلامی، ترجمه مصطفی مؤمنی و محمدحسن ضیاء توانا، فصلنامه وقف میراث جاویدان، نشر سازمان اوقاف و امور خیریه، شماره ۱۰.
- اورشادات، ویم‌فون؛ اپیلکا، مایکل و بریگیت، فوافینگر (۱۳۹۶)، فرهنگ و دولت رفاه، ترجمه ابوذر قاسمی نژاد، با همکاری محمدعلی ایرانمنش، تهران: موسسه پژوهش تأمین اجتماعی.
- بارگاهی حسین و کبیری نرگس (۱۳۹۴). رفاه ذهنی و تأثیر اعتماد اجتماعی بر آن (مطالعه موردی جوانان ساکن شهر تهران).
- جمعی از اساتید مدیریت (۱۳۷۸)، بهره‌وری در مدیریت، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- دانایی فر، حسن و امامی، مجتبی (۱۳۸۶)، «استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه داده بنیاد»، اندیشه مدیریت، سال اول، شماره دوم، صص ۶۹-۹۷.
- دلاور، علی (۱۳۸۸)، «روش‌شناسی کیفی»، راهبرد پژوهش، شماره پنجاه و چهارم، سال نوزدهم.
- روشه، گی (۱۳۸۹)، کنش اجتماعی، هما زنجانی‌زاده، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- ریاحی، نادر (۱۳۸۷)، تحول نهاد وقف، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی وقف و تمدن اسلامی. جلد سوم، تهران، انتشارات اسوه، صص ۳۶۹-۴۱۲.

- سورین، ورنر و تانکارد، جیمز (۱۳۸۶)، نظریه‌های ارتباطات، علیرضا دهقان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سید حسینی، سید محمد؛ سالاری، تقی و خراسانی، مظلوم (۱۳۹۲)، «بهبود روش‌های مدیریت در سازمان اوقاف و اثر آن در افزایش بهره‌وری در حوزه وقف»، دو فصلنامه علمی-پژوهشی مدیریت اسلامی، سال ۲۱، شماره ۱، صص ۱۰۵-۱۲۵.
- عمید، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ عمید، تهران: نشر امیرکبیر.
- فیروز جایان و دهقان حداد. (۲۰۱۵). ارتباط و تأثیر کیفیت زندگی عینی بر کیفیت زندگی ذهنی (مطالعه‌ی موردی؛ شهر آمل، استان مازندران). *مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی*، ۳(۴)، ۱۵۷-۱۸۴.
- قنبری نیک، سیف‌الله (۱۳۸۸)، «آثار و پیامدهای اجتماعی وقف در استان قم»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، استاد راهنما، جعفر هزارجریبی.
- محمدی پور فاطمه، صحرایی بیرانوند مهدی، بیرانوند شبنم، بیرانوند شکوفه (۱۳۹۷). بررسی رابطه‌ی رفاه ذهنی پرستاران و رضایت بیماران با نقش میانجی فرسودگی شغلی.
- مهدوی، محمدصادق و شریفی، منصور (۱۳۸۶)، «تأملی بر اختلاف پارادایمی روش‌های کمی و کیفی در علوم اجتماعی»، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۳، صص ۳۸۷-۴۱۶.
- هزارجریبی دستکی جعفر، صفری شالی رضا. (۱۳۹۰). رفاه اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی شهر تهران). پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۲، ۵.
- هالس، فایانا، همفری، جان (۱۳۷۶)، بهبود بهره‌وری و فواید آن، ترجمه هوردخت دانش و سهراب خلیلی شورینی، تهران: نشر فیروزه.
- Abdul-Karim, S. (2010). Contemporary shari'ah structuring for the development and management of waqf assets in Singapore (Doctoral dissertation, Durham University).
- Ahmad, Habib (2004), role of zakat and Awqaf in poverty alleviation, islamic development bank, islamic research & training institute.
- Al-bahussin, Sami & El-garaihy (2013) " The Impact of Human Resource Management Practices, Organisational Culture, Organisational Innovation and Knowledge Management on Organisational Performance in Large Saudi Organisations: Structural Equation Modeling With Conceptual Framework " *International Journal of Business and Management*; Vol. 8, No. 22; pp:1-19.
- Ali, Norhidayah, Harun, Rabitah, Mohamed, Isa, Zuraidah, (2011), A Comparative Study of Waqf Management in Malaysia, *International Conference on Sociality and Economics Development*, IPEDR vol.10, IACSIT Press, Singapore, PP 561-565.

- Axtmann, R. (2004), The state of the state: The model of the modern state & its contemporary transformation. *International Political Science Review* 25,259-279.
- Bäckström, A. Davie, G. Edgardh, N. & Pettersson, P. (Eds.). (2010). *Welfare & religion in 21st century Europe: Volume 1 Configuring the connections*. Burlington, VT: Ashgate.
- Bak. M. (2004). Can Developmental Social Welfare Change an Unfair World? The South African Experience. *International Social Work*. 47: 81.
- Bannet. F. (2004). *Development of social Security*. Social Policy Review. University of Bristol. Great Britain: The Policy Press.
- Birnbaum, R. (2003), How colleges work: the cybernetics of academic organization and leadership. (H. Arasteh, Trans). Tehran: Institute for Research and planning in Higher Education. (In Persian).
- Coffin, B. (2000). Where religion & public values meet: Who will contest? In M. Bane, B. Coffin, & R. Thiemann (Eds.), *Who will provide? The changing role of religion in American social welfare*. Boulder, CO: Westview Press.
- Coffin, B. (2000). Where religion & public values meet: Who will contest? In M. Bane, B. Coffin, & R. Thiemann (Eds.), *Who will provide? The changing role of religion in American social welfare*. Boulder, CO: Westview Press.
- Creswell, J. W. (2005), *Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research* (2nd edition).
- Edgardh, N. Edinburgh (Ed.). (2004), *Welfare, church & gender in eight European countries: Working paper 1 from the project Welfare & religion in a European perspective*. Uppsala: Institute for Diaconal & Social Studies, Edinburgh University Press.
- Glaser, B.G. & Strauss, A.L. (1967). *The Discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research*. Chicago: Aldine Pub. Co.
- Haneef, M. A., Pramanik, A. H., Mohammed, M. O., Bin Amin, M. F., & Muhammad, A. D. (2015). Integration of waqf-Islamic microfinance model for poverty reduction: The case of Bangladesh. *International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management*, 8(2), 246-270.
- Hasan, K. (2010), “An integrated poverty alleviation model combining Zakat, Awqaf and Microfinance”, 7th International Conference – The Tawhidi Epistemology: Zakat and Waqf Economy, Bangi 2010, University of New Orleans, New Orleans, LA.
- Hashim, H., Mazlan, A. R., & Abu Bakar, A. (2013). The structuring for development and management Waqf properties in Malaysia. *Journal of Human Development and Communication (JohDEC)*, 2, 45-59.
- Heyneman, Stephen P (2004), *Islam and social policy*, Vanderbilt University Press.
- Krafess, J. (2005), “The influence of the Muslim religion in humanitarian aid”, *International Review of the Red Cross*, Vol. 87 No. 858, pp. 327-342.
- Lipset, S. (1996), *American exceptionalism: A double-edged sword*. NY: W.W. Norton.
- Makdisi, George (1981), “The Law of Waqf.” In *The Rise of Colleges: Institutions of Learning in Islam and the West*, by George Makdisi, 35–74.
- Mohd Thas Thaker, M. A. B., Mohammed, M. O., Duasa, J., & Abdullah, M. A. (2016). Developing cash waqf model as an alternative source of financing for micro enterprises in Malaysia. *Journal of Islamic Accounting and Business Research*, 7(4), 254-267.
- Morgan, K. (2006), *Working mothers & the welfare state: Religion & the politics of work-family in Western Europe & the United States*. Palo Alto, CA: Stanford University Press.
- Saleem, Muhammad Yusuf, (2010). *Towards Institutional Mutawallis for the Management of Waqf Properties*, *Islamic Economics & Finance Pedia* (<http://www.iefpedia.com>) , PP 1-12.

- Sami, Hasan (2006) "Muslim Philanthropy and Social Security: Prospects, Practices, and Pitfalls" University of Technology, Sydney A paper presented at the 6th ISTR Biennial Conference held in Bangkok, 9-12 July 2006 .
- Shaikh, S. A., Ismail, A. G., & Mohd Shafiai, M. H. (2017). Application of waqf for social and development finance. ISRA International Journal of Islamic Finance, 9(1), 5-14.
- Weber, M. (1956). The Protestant Ethic and the Spirit of Capitalism. London, Unwin.
- Yumna, Aimatul and Clarke, Matthew (2011), Integrating *zakat* and Islamic charities with microfinance initiative in the purpose of poverty alleviation in Indonesia, International Conference on Islamic Economics and Finance, Center for Islamic Economics and Finance, Qatar Faculty of Islamic Studies, Qatar Foundation.
- Yusuf. A. S. (2008). Social Capital and Household Welfare in Kwara State. Nigeria. J. Hum. Ecol. 23.